

## تأثیر جنگ‌های نادرشاه بر اقتصاد دوره افشاریه

محمود براتیان<sup>۱\*</sup>

سمیه ایرجی<sup>۲</sup>

ذکرالله محمدی<sup>۳</sup>

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

با سقوط حکومت دیرپای صفوی در سال ۱۱۳۵ هجری قمری، ایران به مدت ۸ سال تحت سلطه افغان‌ها قرار گرفت. در این مقطع ایران شاهد شورش‌ها و جنگ‌های داخلی و خارجی بود. در این بین نادرشاه افشار توانست با اقدامات نظامی گسترده خود به عرصه سیاست دست یافته و حکومتی را تشکیل داد که بنیان آن بر ساختار نظامی استوار بود. با توجه به تمرکز نادرشاه به ایجاد ثبات و یکپارچگی کشور، مسائل اقتصادی در این دوره مغفول مانده است. از این‌رو مسئله محققان، بررسی اوضاع اقتصادی ایران در این دوره، متأثر از جنگ‌های نادر است. سؤال اصلی این تحقیق آن است که جنگ‌های نادرشاه چه تأثیری بر اقتصاد دوره افشاریه داشته است؟ پژوهش حاضر با روش تحقیق تاریخی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته و نتایج جنگ‌های نادرشاه بر اقتصاد آن دوره را در سه بُعد نظام مالیاتی، تجارت خارجی و اقتصاد کشاورزی مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاکی از آن است که، نظام مالیاتی در این دوره به دلیل تأمین نیازمندی لشکرکشی‌ها، انباشت سرمایه در درون خزائن و عدم تزریق آن در بطن اجتماع و طبقات مردم، دچار نابسامانی شده و در رویکرد نظامی نادرشاه در تجارت منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ایران تأثیر منفی گذاشت. همچنین اقتصاد کشاورزی به دلیل وجود جنگ‌های پی‌درپی، نبود تشکیلات اداری و تخریب نیروهای تولیدی رو به رکود گذاشته بود.

### واژگان کلیدی:

جنگ‌های نادر، سلسله افشار، نظام مالیاتی، تجارت خارجی، اقتصاد کشاورزی.

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

<sup>۳</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

\* نویسنده مسئول: Email: [mahmoud.baratian@yahoo.com](mailto:mahmoud.baratian@yahoo.com)



## مقدمه

حمله افغان‌ها به ایران در سال (۱۱۳۵ ه. ق) منجر به سقوط اصفهان و تسلیم شاه سلطان حسین آخرین پادشاه صفوی، و سقوط این سلسله شد. در این میان حاکمیت کوتاه مدت افغان‌ها پیامدهای منفی از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را همراه داشت. شاخصه‌های عمده این دوره نظیر طوفان‌های فزاینده سیاسی، عصیان و نافرمانی حاکمان محلی و ماموران دولتی، قبیله‌گرایی، درگیری‌های درون دودمانی و اشغال بخشی از کشور توسط روسیه و عثمانی، جامعه ایران را دچار آسیب‌های فراوان و رکورد شدید حیات اجتماعی و اقتصادی نمود. در چنین اوضاع آشفته‌ای بود که نادر ظهور کرد و با سرکوب افغان‌ها و اخراج بیگانگان در سال ۱۱۴۸ ه. ق بر اریکه سلطنت تکیه زد. به نظر می‌رسید بعد از به سلطنت رسیدن نادر و بعد از سال‌ها آشوب و شورش، کشور روی آرامش را خواهد دیده و به ثبات خواهد رسید، اما در تمام این دوران، نادرشاه مشغول جنگ و لشکرکشی و کشورگشایی بود. جنگ‌های او از قبیل فتح قندهار، لشکرکشی به هندوستان (جنگ کرنال) تصرف دهلی، ماوراءالنهر، خوارزم، داغستان، بخارا، روسیه و جنگ‌های پی‌درپی با عثمانی بود. اما توجه بیش از حد نادرشاه به جنگ‌ها و سپاهیان، او را از پرداختن به مسائل و مشکلات کشور دور کرد. در این دوره اقتصاد و جامعه ایران از سیاست‌های جاه‌طلبانه و بلند پروازانه نادرشاه صدمات فراوانی دید. او برای تأمین هزینه‌های جنگ و سپاهیان نیاز به منابع مالی داشت و این منابع را با افزایش مالیات‌های سنگین بر دوش اقشار مردم تأمین می‌کرد. از آن‌جا که اقتصاد زیربنای سایر فعالیت‌های اداره کشور و مملکت‌داری و تعیین فرصت و سبک زندگی مردم در هر زمان و هر جامعه است به نظر می‌رسد که به دلیل فعالیت‌های طولانی مدت نادرشاه در حوزه نظامی این‌بخش (اقتصاد) دچار آسیب شده باشد.

از این رو مسئله‌ی اصلی این تحقیق بررسی تبعات جنگ‌های نادرشاه بر اقتصاد کشور بوده و پژوهشگران به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال هستند که: جنگ‌های نادرشاه چه تأثیری بر اقتصاد دوره افشاریه داشته است؟

با توجه به ماهیت تاریخی این پژوهش و تلاش محققان در راستای کشف مسائل اقتصادی در دوره افشاریه، این پژوهش فاقد فرضیه بوده و تلاش محققان بر پاسخ‌گویی به سؤال اصلی تحقیق معطوف شده است.

## مبانی نظری

### پیشینه پژوهش

در رابطه با پژوهش حاضر هرچند تحقیقات مستقل و مفصلی انجام نگرفته، اما برخی پژوهش‌هایی از نوع مقاله، کتاب و غیره وجود دارند که به بخشی از موضوع حاضر اشاره دارند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- منیژه نوری (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «سیمای کلی تجارت ایران در دوره افشاریه و زندیه» به بررسی وضعیت خارجی ایران با در نظر گرفتن ویژگی نظامی در دوره افشاریه پرداخته و به این نتیجه رسیده که دوره نادری ضمن این‌که دوره همت و پایمردی است، دوره سکون و نازایی جامعه و افول اقتصاد و فعالیت‌های بازرگانی نیز هست و دوره کوتاه ثبات عصر نادری نیز که مختصر امکاناتی برای احیای فعالیت‌های تجاری پدید آورده بود و به علت اشتغال مداوم و بی‌وقفه نادرشاه به عملیات نظامی قادر به استقرار مجدد واحدهای تولیدی و نهادهای تجاری نشد.
- مقاله آسیه ایزدیار (۱۳۹۵) تحت عنوان «بررسی اقتصاد ایران در دوره افشاریه» می‌باشد و نویسنده به این نتیجه رسیده که: سیاست‌های نظامی نادرشاه در ادامه حکومتش هزینه‌های سنگینی را در پی داشته که این هزینه‌ها می‌بایست از جایی تأمین شود. در این راستا به منظور تأمین این هزینه‌ها مالیات سنگینی از اقشار جامعه گرفته شد و این مسئله باعث تهی‌دست شدن هر چه بیشتر اقشار ضعیف گردیده است. تمرکز توجه حکومت از بخش کشاورزی به بخش ارتش باعث وخامت و از بین رفتن کشاورزی و عدم امنیت داخلی و ساختار اداری منسجم و از بین رفتن بخش بازرگانی گردید که همه این عوامل در مجموع سیر نزولی اقتصاد در دوره افشاریه را سبب گردید. نویسنده در پایان به این نتیجه رسیده است که اگر چه نادرشاه توانست در زمینه مسایل خارجی به توفیقاتی دست پیدا کند اما در امور

داخلی بسیار ضعیف عمل کرد و به دستاوردی نرسید در واقع حکومت افشاریه در عرصه اقتصاد هیچ نقطه روشن و مثبتی از خود برجای نگذاشت.

➤ در پژوهش دیگر با عنوان «تأثیر سیاست نظامی‌گری نادرشاه بر تجارت خارجی ایران» توسط سیدهاشم آقاجری (۱۳۹۷) نگاشته شده و در آن به مباحث مهم اقتصادی ایران در دوره نادرشاه و کاهش و رکود تجارت خارجی ایران متأثر از خطمشی و رویکرد نظامی‌گری نادرشاه بوده، پرداخته است و دلیل این امر را هزینه‌های سنگین اقتصادی- اجتماعی جنگ‌ها عنوان کرده که مانع پیشرفت و توسعه اقتصادی و کاهش تجارت خارجی شده است. در نتیجه رویکرد نظامی‌گری نادرشاه باعث فشار اقتصادی بر مردم و رکود اقتصادی در کشور شده و در پی آن نارضایتی عمومی و شورش‌های پی در پی در نواحی مختلف ایران منجر شد که این امر قدرت اقتصادی کشور را هرچه بیشتر تضعیف و تحلیل نمود. افزون بر این، رویکرد نظامی‌گری در سیاست خارجی و تجارت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران تأثیر منفی گذاشته است.

تفاوت این پژوهش با تحقیقات اشاره شده را می‌توان در این مورد دانست که در این پژوهش به‌طور مشخص به تأثیر جنگ‌های نادر در اقتصاد ایران پرداخته و در این مسیر بر نظام مالیاتی، تجارت خارجی و اقتصاد کشاورزی متمرکز بوده است در حالی‌که در پژوهش‌های معرفی شده به‌صورت موردی در حوزه اقتصاد، تجارت داخلی و خارجی و روابط افشاریه با کشورهای دیگر پرداخته‌اند.

### مفهوم‌شناسی

اقتصاد: یکی از معانی اقتصاد در لغت، میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط در هرکاری است و در آیه ۱۹ سوره لقمان (واقصد فی شیک) نیز به همین معنی آمده است. در منبع دیگری اقتصاد را به مطالعه چگونگی استفاده از منابع کمیاب جامعه، به‌منظور تولید کالاهای با ارزش و توزیع آن‌ها بین افراد مختلف است (ساموئلسن و هاوس، ۱۳۸۸، ص ۷).

نظام مالیاتی: برخوردار از کارکردها و اهداف متعددی از جمله تأمین درآمدهای عمومی کشور از طریق تأمین‌بخش مهمی از بودجه دولت، ترویج و توسعه عدالت و برابری اقتصادی از طریق توزیع ثروت در جامعه و کاهش نابرابری اقتصادی و فاصله طبقاتی، ایجاد ثبات اقتصادی

از طریق کاهش نوسانات اقتصادی در دوران رکورد اقتصادی و تعدیل و جهت‌دهی فعالیتهای اقتصادی می‌باشد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۴۰).

تجارت خارجی: به کلیه تدابیر و روش‌هایی اطلاق می‌شود که کشور برای تنظیم و اداره روابط اقتصادی ساکنین قلمرو ملی خود در چارچوب اهدافی معین با ساکنین سایر کشورها به تناسب اتخاذ و به صورت مطلق یا نسبی اعمال می‌کند (دانش پژوهان، ۱۳۸۴).

### ادبیات تحقیق

#### خاستگاه افشارها و رسیدن نادر به سلطنت

منابع موثق و عمده‌ای که به شرح زندگانی نادر پرداخته‌اند دو کتاب معروف (جهانگشای نادری) یا نادرنامه و (عالم آرای نادری) یا (نامه عالم آرای نادری) است که نویسندگان هر دو کتاب به شخص نادر و خاندان او دلبستگی مخصوصی نشان می‌دهند در نوشته‌های میرزا مهدی‌خان استرآبادی که منشی مخصوص نادر و مورخ رسمی دربار نادرشاه است او را از ایل قرخلو می‌داند که تیره‌ای از افشارها هستند و از جنس ترکمان می‌شناسد که به تعبیر خود وی مسکن و مأوای قدیم آنها ترکستان بوده، سپس به هنگام تسلط مغولان به آذربایجان کوچیدند. افشارها در دوره شاه اسماعیل صفوی به ابیورد واقع در شمال مشهد کوچانیده شدند (استرآبادی، ۱۳۴۱، ص ۲۷). تحقیقات امروزی روایت میرزا مهدی‌خان را تا حد زیادی تایید می‌کند. طبق پژوهش‌های جدید، افشارها از نژاد ترکان غربی ساکن غرب دریای خزر و خویشاوند خزرها و قبچاق‌ها و بلغارها محسوب می‌شوند که از حدود قرن هشتم هجری به سوی شام مهاجرت کردند. گروهی از آنان نیز در آذربایجان سکونت یافتند و در دوره صفوی همچون سایر ایلات بر خراسان کوچانیده شدند (نفیسی، ۱۳۳۵، ص ۱۳).

درباره سال‌های اولیه زندگی نادر چه در منابع اروپایی و چه در ماخذ ایرانی اطلاعات زیادی نمی‌توان یافت جز این که مرتباً با پدر خویش در نقل و انتقال بوده است. نادر در عنفوان جوانی احساس کرد که قدم برداشتن در طریق اسلاف ثمری نخواهد داشت و بهتر است راهی پیش گیرد که او را به طرف تعالی و ترقی سوق دهد. به همین جهت با کوشش بسیار خود را در سلک خدمتکاران بابا علی بیگ کوسه احمد لو، رئیس طایفه افشار و حاکم شهر ابیورد در آورد و در پرتو کاردانی و کفایت، توجه او را به گونه‌ای جلب کرد که در اندک مدت به

فرماندهی نگهبانان وی تعیین گردید. (لارنس، ۱۳۳۷، ص ۳۰). او صراط دشوار ترقی را یافته بود، و توان آن را به شایستگی در خویش می‌نگریست تا خطر کند و دست به کارهای خطیر زند. موفقیت‌های کوچک و بزرگ نادر در خلال زد و خورد‌های محلی موجب شد که خود را بهتر بشناسد و نقایص فرماندهی‌اش را رفع کند و هم نام و آوازه‌ای در میان اهالی سرزمینهای شمال شرقی و شمال مملکت به هم رساند این شهرت جوئی‌ها باعث شد که وقتی محمد خان ترکمن (فرستاده تهماسب برای سرکوبی ملک محمود) به خراسان آمد، از نادر کمک گرفت. چراکه شاه صفوی در به در دنبال حامیان جدیدی می‌گشت. نادر نهایتاً می‌توانست با بهره‌مندی از مردان جنگجو، سلاح و پول وفاداری کسانی که قادر بود امنیت‌شان را تأمین کند با بقایای نظام موروثی پیشین به مبارزه برخیزد. از سال (۱۱۳۸ ه ق) نادر دقیقاً به همین سیاق عمل کرد و به عنوان تهماسب قلی‌خان، اقدامات وی مشروعیت و حقانیت داشت و در دورانی که مشغول پاکسازی ایران از دشمنان دولت صفوی بود، حمایت تعدادی از ایرانیان را به دست آورد (آوری، ۱۳۹۷، ص ۵۷). اولین پیروزی او در رکاب تهماسب، شکست ملک محمود در مشهد بود. نادر بعد از آن قسمتی از نیرو را صرف خواباندن شورش‌های قوچان و مرو و سیستان کرد و بعد از سرکوبی ابدالیان هرات در سه جنگ مهماندوست، سردره خوار و مورچه خورت، تهماسب را بر تختگاه اجدادی خویش استوار کرد. نادر بعد از سامان دهی اوضاع داخلی و بیرون راندن افغان‌ها از کشور به فکر مقابله با مدعیان خارجی افتاد. و با ایجاد ثبات، آرامش و امنیت در کشور و سرحدات تصمیم گرفت که نیت اساسی خود را برای شناسایی حکومتش به عنوان تنها نماینده حقیقی توده‌های ایرانی علنی کند. تلاش نادر بر این بود که حقیقت احوال مردم را درک کند و در برابر آن چه که نیازهای واقعی کشور را تشکیل می‌داد از هوشیاری و آگاهی خود آن‌ها کمک بگیرد. در این میان اجماع نظرها بر انتخاب خود نادر بود و وی با قبول مسئولیت به عنوان نادرشاه افشار و بنیانگذار سلسله افشاریه در تاریخ (۱۱۴۸ ه ق) تاج‌گذاری کرد (شعبانی، ۱۳۸۷، ص ۶۱).

#### شرایط اقتصادی در دوره نادرشاه

یکی از دوره‌های پرفراز و نشیب در تاریخ ایران را می‌توان از دوره افشاریه نام برد. با توجه به این‌که نادرشاه توانست با جنگ‌های خود عثمانی و افغان‌ها را از کشور بیرون و حاکمیت مرکزی

ایران را احیا کند اما در این دوره به علت همین جنگ‌های پیاپی کشور با بحران اقتصادی زیادی همراه و دچار آسیب زیادی گردید در کتاب حکومت نادرشاه اشاره شده: داوری قاطع درباره کارنامه نادر شاید بدون در نظر گرفتن شرایط زمان او و خیانتکاری‌ها و فرومایگی‌های پیرامونیان او، قضاوتی عجولانه و سطحی باشد، اما این فرمانروای خودکامه به همان اندازه که وجودش برای حفظ استقلال و عظمت ایران ضروری و لازم بود کشتارها و رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی و مالیات‌ها و تحمیل‌های کلانش بر دوش دل و جان مردم ستم‌کشیده بلا رسیده، دزد زده و جان به لب آمده، باری‌گران و برنافتنی بود (فلور، ۱۳۶۸، ص ۹). وضعیت ایران در آستانه برآمدن نادر به اریکه قدرت، مساعد نبود و دشمنان ایران، مملکت را غارت کرده و هزاران نفر به ضرب شمشیر و گلوله یا از گرسنگی جان باختند (اوتر، ۱۳۶۳، ص ۹). به همین دلیل تمام دوران سلطنت وی به جنگ و کشورگشایی گذشت و با این که زمینه‌ای عینی وجود نداشت، اما او احیای امپراتوری ایران را در سر می‌پروراند و به همین دلیل سیاست نابخردانه نادرشاه باعث شد که تولیدکنندگان مستقیم که به راستی زندگی سختی داشتند، مستمندتر و بیچاره‌تر شوند. درآمدهای دولت به جای این که صرف احیای امکانات تولیدی، نظام آبیاری منهدم شده، جاده‌ها، کاروانسراها و... بشود در جنگ‌های نادرشاه در هندوستان به هدر رفت و به این ترتیب ایران از موقعیتی مناسب برای احیای بنیه اقتصادی خویش محروم ماند. ارزش آن‌چه که در هندوستان توسط نادر به دست آمد بین ۸۷/۵ تا ۱۲۰ میلیون لیره استرلینگ تخمین زده می‌شود که عمدتاً در کلات نادری به صورت دفینه درآمد و تأثیری بر رشد اقتصادی ایران نداشت (سیف، ۱۳۷۳، ص ۴۰). پرستیس کشیش ژرژوئیت در نامه مورخ ۱۱۵۳ ه. ق / ۱۷۴۰ م در این باره می‌نویسد: «از موقعی که نادر به تخت سلطنت نشست است به کاری جز جنگ نپرداخته... هیچ چیز نه کوه، نه دشت، نه شهرها، نه قلعه‌ها، نه سپاه نمی‌تواند جلوی او را بگیرد» (کشیشان ژرژوئیت، ۱۳۷۰، ص ۱۴۸).

نادر سیاست استیلاگرانه را وسیله‌ای برای تمرکز دولت خود می‌شمرد. با وجود این بدبهبی است، که جنگ‌هایی که قبایل چادرنشین و اشراف این قبایل بدان کشانده می‌شدند، نمی‌توانست اتحاد سیاسی با دوامی برای کشور تأمین کند. این جنگ‌ها فقط پاشیدگی

اقتصادی را ژرف‌تر می‌کرد و روابط اقتصادی بین ایالات کشور را بر هم می‌زد (اشرفیان، ۱۳۵۶، ص ۱۲۹).

### جنگ‌های نادرشاه و نظام مالیاتی

نادرشاه هم مانند هر فرمانده دیگر می‌بایست هزینه‌های مورد نیاز جهت لشکرکشی‌های خود را از منابع مشخصی تامین می‌کرد یکی از روش‌های تأمین منابع مالی جنگ‌ها اخذ مالیات از مردم است که در دوره افشاریه دارای انواع مختلفی بود. قسمت اعظم مالیات‌ها در دولت نادرشاه معمول بود از مالیات بر زمین و درآمد، مالیات سرانه (سرشماری، جزیه) مالیات برای نگهداری قشون (علوفه، سوسومات، تحویلات، پیشکش و خراج مرتدین) و وظیفه مشقت بار به نفع شاه و کارمندان دولت (رسومات، تحویلات، پیشکش و خراج مرتدین) و وظیفه مشقت بار به نفع دولت و فتودال‌ها (بیگار) مالیات راه (راهداری) و غیره بود (همان، ص ۷۸).

قسمت اعظم مالیات‌ها صرف نگهداری قشون می‌شد. برخی از این مالیات‌ها و وظایف قبلاً مقرر و معلوم شده بود (علوفه رسومات، چریک) و دیگر به طور فوق‌العاده و پیش‌بینی نشده است می‌گردید. جریمه‌های بزرگ پولی که بر روی شانه‌های تمام اقشار مردم سنگینی می‌کرد جزء دسته اخیر بود.

**علوفه و رسومات:** مالیات‌هایی بود که به‌صورت خواربار برای افراد قشون و علیق برای دام‌هایشان گرفته می‌شد. این مالیات‌ها به اردوی نظامی شاه و همچنین به واحدهای بزرگ نظامی در ایالات‌ها فرستاده می‌شد.

**اخراجات (باج و خراج):** پتروشفسکی خاطرنشان می‌سازد در زمان صفویان اخراجات، مالیات‌هایی بوده که به نفع کارمندان دولت، اشراف و قشون گرفته و به‌صورت سه ساله از بخشی از مردم خراسان گرفته می‌شد و به جز خراج‌ها و وظایف مقرر شده، وجوه پیش‌بینی نشده و کمرشکن دیگری هم برای آذوقه، لباس نو و اسلحه قشون از مردم می‌گرفتند.

**مالیات راه یا (راهداری):** به طور کلی به وسیله بازرگانان و حتی پیشه‌وران و کشاورزانی که محصول کار خود را در بازارهای محلی می‌فروختند پرداخت می‌شد (همان، صص ۹۱-۸۳). با توجه به این‌که در این دوره ثروت هنگفتی از فتوحات نصیب جامعه ایران شد، وضع زندگی مردم بسیار فلاکت بار بوده است. در لشکرکشی نادر به هندوستان ثروت زیادی به‌دست آمد اما



این ثروت‌ها در خزانه قلعه کلات متمرکز گردید و از آن دیناری هم خرج نشد و برای جنگ‌ها و نگهداری قشون و همین‌طور دستگاه اداری دولت که نیاز به سرمایه فراوان بود سعی می‌شد این سرمایه را با تشدید به بهره‌کشی از مردم مالیات دهنده ایران را تامین شود.

ژان اوتر می‌نویسد: «نادر شاه در جنگی که با امام مسقط داشت هم در دریا و هم در خشکی می‌جنگید و دچار هزینه‌های هنگفتی شده بود و چون نمی‌خواهد به گنجینه‌هایی که از هند آورده است دست بزند مالیات جدیدی به مبلغ ۷۰۰ هزار تومان تمام بر ایران تحمیل نمود» (اوتر، ۱۳۶۳، ص ۲۳۵). مسئولیت گردآوری مالیات‌ها و جریمه‌ها، به دستور نادرشاه به مأموران مالی و حکام ایالات واگذار گردیده بود. به گفته حزین، مردم کشور پس از اخراج استیلاگران اجنبی نیز در وضع بی‌اندازه فلاکت باری قرار داشتند هنگامی که حزین وارد منطقه لار شد، حاکم لار مخارج روزانه سپاهیان و خدمه و وابستگان را هر روز از مردم لار می‌گیرد و مردم شهر در فلاکت به سر می‌برند (حزین، ۱۳۳۲، ص ۹۸). با این‌که در این دوره ثروت هنگفتی از فتوحات نصیب جامعه ایران شد اما این ثروت هنگفت صرف رفاه مردم و آماده‌سازی قوای نظامی نشد و در خزانه ذخیره گردید و در عوض برای تامین منابع مالی، قوای نظامی و لشکرکشی‌ها با اعمال مالیات‌های سنگین به مردم و افزایش باج و خراج باعث فشار هرچه بیشتر به مردم و به طور طبیعی سخت‌شدن معیشت و وضعیت اقتصادی کشور شد. همین‌طور این دوره با کاهش جمعیت شهری همراه است که به علت خشکسالی و قحطی و همچنین جابه‌جایی قبایل توسط نادر و فرار مردم از مالیات‌های سنگین بود. چنان‌که مستوفی اشاره میکند نادر ۶۰ هزار خانوار از قبایل ارامنه، گُرد، بختیاری، شقاقی، شاهسون و افشار و سایر ایلات کوچانیده را به خراسان منتقل کرد (مستوفی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۵). در واقع آنچه از لشکرکشی‌های عظیم نادرشاه نصیب مردم کشور گردید جز سرکوب و خرابی چیزی بیش نبود.

### جنگ‌های نادرشاه و تجارت خارجی:

دوره نادری ضمن این‌که دوره همت و پایمردی و بیرون راندن دشمنان و کوتاه کردن دست آن‌ها از کشور است، اما دوره فترت و رکود جامعه و افول اقتصاد و فعالیت‌های بازرگانی بود در این دوره تجارت اعم از داخلی و خارجی با انحطاط قدرت صفوی دچار تنش و آشفتگی درون‌گشا شد و دوره کوتاه افشاریه که مختصر امکاناتی برای سازندگی فعالیت‌های تجاری پدید

آمده بود با پرداختن مداوم و پیوسته نادرشاه به جنگ‌ها و عملیات‌های نظامی، قادر به تثبیت مجدد واحدهای تولیدی و تجاری قرار نگرفت.

اوتر در کتاب خود می‌نویسد: «نامه‌ای را در مورد ارتباط بازرگانی با فرانسه برای نادرشاه نوشتم که در جنگ بود و نامه دیر به دستش رسید و با چند نفر از آشنایان در میان گذاشتم، گفتند: نادر شاه به فکر این نیست که کشور را از راه بازرگانی شکوفا نماید و وقت هم ندارد و هدف و منافع در این است که با جنگ بر ذخایر خود و مملکت بیافزاید. ایران در اثر کشمکش‌های اقتصادی داخلی و خارجی ویران شده و مراکز بازرگانی خارجی بی‌حاصل و زیان آور خواهند شد» (ژان، ۱۳۶۳، ص ۱۶۴). در این دوره همانند صفویه، تجارت و به خصوص تجارت ابریشم در انحصار دولت بود و موقعیت ناچیزی در اختیار تجار قرار داشت. آلتون، گزارش کرده است «... سال ۱۷۹۳ همه آنچه که به رشت وارد شده باید همان‌جا به فروش برود و کسی هم غیر از تجار شاه حق خرید ندارد... به علاوه نیز، همه ابریشم خام را هم شاه برای خودش به انحصار برآورده...» به همین علت درکنار موقعیت‌های محدود و ناچیزی که در اختیار تجار قرار داشت از آن‌ها مالیات‌های گزاف اخذ می‌شد غنائم حاصل از جنگ‌ها به جای استفاده در بخش‌های کشاورزی و تجاری در خزانه دولت محفوظ ماند و تاثیری بر رشد اقتصادی نداشت (سیف، ۱۳۷۳، ص ۴۱). در این شرایط شورش‌های متوالی در کشور منجر شد امنیت و آرامش که رکن اصلی تجارت بود از میان برود همین‌طور وضعیت ناامن و نامناسب کشور بسیاری از تجار خارجی از آمدن به ایران را منصرف کرد و باعث شد از تجارت با ایران صرف‌نظر کنند. از این رو سطح تجارت خارجی به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت. در سال‌های واپسین حکومت نادرشاه چشم‌انداز تجاری چنان مأیوس‌کننده بود که کمپانی هندشرقی تصمیم گرفت به‌طور کلی منطقه را ترک کند. افراط‌گری‌های نادر در دوره دوم حکومتش و پریشان‌حوالی وی بعد از کور کردن پسر ارشدش و همین‌طور حرص مال‌اندوزی او پیامدهای زیاد و مخربی را در اقتصاد کشور ایجاد کرد و باعث فلاکت و استیصال کشور گردید. در گزارشی از بصره آمده است که «کثرت مشکلاتی که اخیراً در این‌بخش‌ها چهره نموده‌اند، تجارت را کاملاً دچار وقفه نموده است». (آوری، ۱۳۹۷، ص ۱۸۱).

## تجارت منطقه‌ای (عثمانی، هند، روسیه)

شرکای تجاری منطقه‌ای ایران در این دوره همچون گذشته عثمانی، هند، روسیه بودند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که جنگ‌های متناوب با عثمانی و پس از آن حمله به هند ضمن ایجاد چالش و تنش منطقه‌ای، سطح تعاملات تجاری طرفین را به علت ناامنی، مسدود شدن موقتی مسیرهای تجاری و اوضاع نامناسب سیاسی و اقتصادی ایران به نسبت به دوره قبل کاهش داد (آقاجری، ۱۳۹۷، ص ۱۲). بازرگانان ترک از خرید بعضی از مواد غذایی سود بردند ولی در همه حال تعداد زیادی اسب در کردستان و سایر متصرفات عثمانی به ایرانی‌ها فروختند. ایرانی‌ها که بر اثر جنگ‌های متمادی بسیاری از اسبان خود را از دست داده بودند بدون این حیوان نمی‌توانستند جنگ علیه ترک‌ها را ادامه دهند (هانوی، ۱۳۴۶، ص ۲۸۰).

روابط تجاری ایران با دیگر شریک تجاری منطقه‌ای خود یعنی روسیه نیز متأثر از شرایط ایجاد شده، نوسانات شدیدی در این دوره داشت. در این دوره تجارت ایران در دست روس‌ها و ارمنی‌ها بود که از نفوذ انگلیسی‌ها که شروع به حمل و نقل کالا برای ارمنستان و سایر کشورها در مقابله با سلطه روسیه کرده بودند بیزار بودند (آقاجری، ۱۳۹۷، ص ۱۳).

هانوی می‌نویسد که بازرگانان روسی را در میان همه سوداگران بیگانه موجود در ایران، باید در زمره خوشبخت‌ترین و ممتازترین‌ها خواند چون نه تنها از برخی مضایق تجاری حاکم بر احوال دیگر کسبه ناآگاهند بلکه از دشواری‌های مالی و تنگدستی مستولی بر جماعات کثیر ایرانی نیز به ترتیبی خاص منتفع می‌شوند: «این‌ها علاوه بر داد و ستدهای معمولی، غالباً برنج گیلان را می‌خرند و با کشتی‌هایشان به دربند و باکو و به صفحات جنوبی مازندران می‌رسانند. سودی که از کناره چنین معامله‌ها به دست می‌آورند، سرشار است. گاه اتفاق می‌افتد که به واسطه خریدهای عمده روس‌ها قحط و غلای فوق‌العاده در گیلان پدید می‌آید و مردم بیچاره ناگزیر می‌شوند که همان پیش فروخته‌های خود را به بهای بسیار بیشتری از فروشندگان روسی باز خرید کنند» (هانوی، ۱۳۴۶، ص ۲۸۰).

## تجارت فرامنطقه‌ای ایران (کمپانی هند شرقی انگلیس و هلند)

شرکای عمده تجاری فرامنطقه ایران در این دوره همچون گذشته کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند بودند. بررسی‌های تاریخی این دوره نشان می‌دهد در این دوره، تجار و

کاروان‌های تجاری و نمایندگان کمپانی‌های مختلف هندشرقی زیان‌های زیادی را متحمل شدند و در فاصله سال‌های (۱۱۶۰ - ۱۱۴۸ ه) از سختی و مصائب رویکرد نظامیگری نادر در امان نماندند. انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در طول این دهه می‌دیدند که چه‌طور عمده‌ترین پایگاه‌های تجاری ایران ویران و یا از بین رفته‌اند و دیگر نمی‌توانند همچون دوره صفویه تعاملات گسترده تجاری داشته و به سودآوری‌های مطلوب خود دست یابند (آقاجری، ۱۳۹۷، ص ۱۸). مناسبات دو کشور ایران و انگلیس به‌طور عمده در زمینه ورود ماهوت‌های کارخانه‌های پارچه بافی انگلیس و منسوجات پنبه‌ای و کتان‌ی هند به ایران و خرید ابریشم این کشور و حمل آن به اروپا بود. ریکز در بحث از دوره ۱۷۴۵-۱۷۵۰م/۱۱۲۴-۱۱۲۹ش می‌نویسد: «کاروان تجاری همچنان ادامه یا هنگامی که کمپانی هندشرقی انگلیس و کمپانی هندشرقی هلند تصمیم به ادامه تجارت در جنوب ایران و خلیج فارس گرفتند حمل پول مواد غذایی و کالاهای تجاری بدون اندک کاهشی ادامه پیدا کرد، می‌گویند ایران صرف‌نظر از پخش مواد غذایی و پارچه، به صدور طلا، نقره و مس و مروارید نیز مبادرت کرد تا بتواند بهای پارچه‌های ماهوت خریداری شده از اروپا را بپردازد. اگر به تنوع منطقه‌ای توجه کنیم علت این اختلاف نظرها روشن می‌شود. تولید ابریشم عمدتاً در شمال ایران به گفته شاهدان اروپایی در حوالی سال ۱۷۳۹-۱۷۴۰م/۱۱۱۸-۱۱۱۹ش در انحصار سلطنت بوده است اما معلوم نیست این انحصار برای همیشه در دست شاه و دولت باقی مانده باشد. در هر حال به خاطر کاهش عظیم در تولید این محصول از میزان سود آن تا حد چشمگیری کاسته شد (فوران، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵). اما در این دوره فعالیت تجاری انگلیسی‌ها در ایران از نوسانات متعددی متأثر بود و عمده فعالیت آنان از طریق نمایندگان شرکت مسکوی انگلیس صورت می‌پذیرفت به طوری که از فروش کالا در نواحی شمال ایران بهره قابل توجهی عاید آنان می‌شد اما تجارت انگلیسی‌ها در نواحی جنوبی در مقایسه با نواحی شمالی با موفقیت زیادی همراه نبود و آن‌گونه که اسناد شرکت نشان می‌دهد از بحران‌های جاریه تاثیر می‌گرفت (شعبانی، ۱۳۸۷، ص ۶۲۳).

دوره نادرشاه، دوره جنگ‌های متمادی داخلی و خارجی بود که بخش‌های اقتصادی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار داد همین‌طور این جنگ‌ها باعث رکود حیات اقتصادی و امکان و

فرصت فعالیت گسترده تجاری را در ایران منتفی ساخت و در ارتباط با تجارت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران تأثیرات منفی را بر جای گذاشت.

#### تأثیر جنگ‌های نادرشاه بر اقتصاد کشاورزی

بررسی تاریخ ایران نشان می‌دهد که علی‌رغم تنوع شغلی تا آن زمان اکثریت ایرانیان برای امرار معاش راهی جز زراعت نمی‌دانستند و در واقع همچنان شغل درجه اول عموم مردم و بزرگترین پایه زیربنایی اقتصاد کشور محسوب می‌شد.

با توجه به گفته برخی از مورخان، نادر پیش از تصاحب تاج و تخت در فکر آبادانی کشور و احیای زمین‌های کشاورزی و باغات به عنوان مهم‌ترین منبع اقتصادی کشور بود. اساس اقتصادی حکومت نادرشاه مانند تمام جوامع فئودالی، واحدهای کوچک تولید کشاورزی همراه با خرده تولید پیشه‌وران بود. دستگاه عظیم بوروکراسی و قشون چندین هزار نفری که در نتیجه توسعه زمین‌های دولتی و جنگ‌های پی‌درپی گسترش یافته بود به حساب استثمار شدید خلق و به خصوص کشاورزان نگهداری می‌شد. با وجود این، اقتصاد کشاورزی دولت نادرشاه از پایان قرن هفدهم میلادی دیگر ورشکست شده بود (اشرفیان، ۱۳۵۶، ص ۱۱۶). سیاست کوچ‌دادن قبایل و ساکنان شهرها به مناطق مورد نظر از تلاش‌های نادرشاه برای تحکیم حکومت خود بود. نادر که درصدد بود تمام آشوب‌ها و فتنه‌های احتمالی مناطق مختلف را با کوچاندن آن‌ها از خاستگاه و اصل خود دور بسازد تا تمامی عوامل اتحاد ساکنان بومی مناطق را سرکوب کند، عملاً زمینه را برای خرابتر شدن اوضاع کشاورزی فراهم آورد (ایزدیار، ۱۳۹۵، ص ۲۱). یکی دیگر از سیاست‌های اقتصادی نادرشاه در بُعد کشاورزی را می‌توان ساخت شهرهایی با هدف تأمین مایحتاج و مواد غذایی قشون نظامی دانست. مانند تدارکات نظامی که به فرمان شاه در مرو انجام شد، گواه بر این بود که تبدیل این شهر به ناحیه‌ای کشاورزی فقط هدفی نظامی استراتژیکی دارد و به منظور ساختن پایگاهی نظامی برای حمله به آسیای میانه است. مُسلم است که تشکیل چنین شهرهایی که فقط انگیزه سیاسی داشت با پاشیدگی اساسی نیروهای تولیدی کشور توأم بود و سبب ژرف‌شدن بعدی زوال اقتصادی گردید. در نتیجه خانه خرابی و عدم قدرت پرداختن کشاورزان که در زیر فشار مالیات‌های سنگین له شده بودند و همچنین در نتیجه انحطاط زندگی شهری درآمد برخی اقشار طبقه حاکمه، به ویژه اشراف نظامی - فئودال

قبایل به مقدار قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت. دولت به آن حدی درگیر لشکرکشی‌ها بود که برای رسیدگی به مسائل حیاتی چون نظام‌های آبیاری، راه و... به راستی فرصت نداشت، و در کنار انهدام بیشتر این امکانات عمومی که لازمه تولید در اقتصاد ایران بود، تولید کشاورزی بیشتر و بیشتر کاهش می‌یافت (سیف، ۱۳۷۳، ص ۴۳). به علت جاه‌طلبی نظامی نادر و اشتغال به جنگ‌های مستمر که طی آن تحصیل‌داران و دفترداران او به تمام شهرها و نواحی مملکت فرستاده می‌شد تا سرباز، پول، اسب، خوراک و آنچه که سپاه لازم داشت را به دست آورند (اوتر، ۱۳۶۳، ص ۸۹). به حصول شواهدی در این ایام دسترسی هست که نشان می‌دهد بسیاری از روستاهای ایران که همواره در مرحله خود بستگی بودند، نیز دچار مزیقه کم غذایی شده‌اند و خواه به جهت ظلم و جور مأموران و محصلان دولتی که رُمق توده‌ها را می‌مکیدند و هر چه را که داشتند به طوع و کره می‌گرفتند (شعبانی، ۱۳۸۷، ص ۴۲۳).

#### اوضاع ارضی

کشاورزان برای انجام فعالیت‌های خود به زمین نیاز داشتند درحالی که واحدهای تولیدی کشاورزان در این دوره در اختیار نادرشاه قرار داشت. کاهش زراعت در همه‌جا باعث نارسایی شدید در کالاهای کشاورزی و اقتصاد روستایی گردید (فوران، ۱۳۷۷، ص ۵۶) در دوره حکومت صفویه در ایران چهار نوع زمین وجود داشت، زمین‌های متعلق به شاه، زمین‌های دولت، زمین‌های موقوفه و زمین‌های متعلق به افراد، این روال نیز در دوره افشاریه ادامه یافت. زمین‌های سلطنتی، خاصه املاک خاص شاه و اعضای خاندان سلطنتی بود. در این دوره نادر با تمام قدرت، حکومت را به دست گرفت و زمین‌های دولتی و سلطنتی را افزایش داد. املاک دیوانی در واقع همان املاک دولتی بود و درآمدها و مالیات‌های آن‌ها به خزانه دولت می‌رفت نه به خزانه شخص شاه، همه دودمان حکومتی، از عباسیان به بعد به خاطر کمبود پول نقد در اقتصاد از زمین‌های دولتی برای پرداخت هزینه‌های دیوانی و نظامی استفاده می‌کردند. شکل اساسی زمین‌های دولتی تا قبل از نادر تیول بود درآمد زمین‌هایی که به جای حقوق به مقام‌های خاصی در ارتش و دیوانسالاری واگذار می‌شد، تیول نام داشت. در این دوره واگذاری زمین به شکل تیول و سیورغال به حکام و والیان خبری نیست و نادر در عدم پرداخت تیول، سعی در محدود کردن دست‌اندرکاران و متصدیان دولتی می‌کرده و در واقع قدرتی بلامنازع را

برای خود فراهم می‌ساخته است. زمین‌های وقفی سومین دسته بزرگ املاک ایران بودند و بعد از املاک سلطنتی قرار داشتند. موقوفه به املاکی گفته می‌شد که واقف به مقاصد دینی و خیریه اختصاص می‌داد با اینکه در جامعه عملی پسندیده بود اما در این دوره زمین‌های وقفی دستخوش تغییر و تحولات اساسی گشتند. نادر تمامی اصول و موازین مربوط به اوقاف را برهم زد و همه زمین‌های وقفی را در زمره‌ی املاک سلطنتی قرار داد. در آمد اوقاف ایران، از منابع عظیم مالی محسوب می‌شد که در این زمان برای اهداف و مقاصد نادرشاه سخت مورد نیاز می‌نمود (ایزدیار، ۱۳۹۵، ص ۲۲).

#### هزینه‌های لشکر و تغذیه اردوی سلطنتی

یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مواد غذایی و هزینه‌های لشکرکشی نادرشاه استفاده از محصولات کشاورزی بود که مواد غذایی و خورد و خوراک لشکریان را به طور مستقیم از محصولات کشاورزی و دامداری تهیه می‌کرد و همچنین از دهقانان و کشاورزان با عنوان سرباز و جنگجو بهره می‌گرفت. در این خصوص جان فوران در کتاب مقاومت شکننده می‌نویسد: «دهقانان، زیر بار ستم مضاعف بودند، هم محصولاتشان را می‌بردند و هم مورد بیگاری قرار می‌گرفتند معمولاً یک چهارم تا نیمی از محصول را به دولت و یا مالک زمین می‌دادند و چه بسیار اتفاق می‌افتاد که محصول صرف تغذیه انبوه لشکریان می‌شد که عازم جنگ بودند» (فوران، ۱۳۷۷، ص ۱۳۲).

احتیاجات بی‌شمار گوناگون، مهمات جنگی، لباس برای قشون و تهیه آذوقه، از آن‌ها گرفته می‌شود، چنان‌که خانه خراب شده‌اند که حتی در صورت سقوط حکومت، خودشان هم پیش از این فلاکت و بدبختی نخواهد دید. آن‌ها با تاسف و تائر از هرج و مرج اخیر ایران یاد می‌کنند و می‌گویند در آن زمانی که در زیر سلطه دولت‌های گوناگون بودند در ناز و نعمت به سر می‌بردند، در صورتی که اکنون پائین‌ترین کشاورزان، سالانه، در حدود سی روپل مالیات می‌پردازد (اشرفیان، ۱۳۵۶، ص ۷۴). مسئله دیگر کشانیده شدن جمعیت عظیم جوانان و مستمندان زراعی مملکت و ملت به صحنه‌های نظامی است که بی‌تردید نقصان فاحشی در امر کشاورزی پدید می‌آورد و جماعت انبوهی از تولیدکنندگان را در وصف مصرف‌کنندگان قرار می‌داد. درست است که ارتش بزرگ ایران، به‌رحال امکانات غذایی و به اصطلاح جیره و علیق

را از «سرکار پادشاهی» می‌گرفت ولی تدارک آن همه اسباب زندگانی، آن هم مردمی که فقط هنر جنگیدن را آموخته بودند کار ساده‌ای نبود (شعبانی، ۱۳۷۸، ص ۴۸۳).

### روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش تاریخی که با روش توصیفی انجام شده، محققین به منظور جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده نموده و ضمن مطالعه کتب و مقاله‌ها، وبگاه‌های اینترنتی را نیز مورد کنکاش قرار داده‌اند. در ادامه با تحلیل محتوا، داده‌ها را به شیوه توصیفی-تحلیلی تجزیه و تحلیل کرده و داده‌های مشابه تلخیص و داده‌هایی که از همگرایی و مشابهت پائینی برخوردار بودند حذف شده و پس از دسته‌بندی مورد پردازش قرار گرفته‌اند. در نهایت پس از قضاوت این داده‌ها، نتایج تأثیر جنگ‌های نادرشاه بر اقتصاد دوره افشاریه در سه مؤلفه نظام مالیاتی، تجارت خارجی و اقتصاد کشاورزی احصاء شده است.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به این که در دوره مورد مطالعه در این پژوهش، مهمترین منبع درآمد حکومت و اقتصاد ایران حول سه محور اخذ مالیات، تجارت خارجی و کشاورزی استوار بود، در مبنای نظری، تأثیر جنگ‌های نادرشاه بر اقتصاد در این سه حوزه مورد مطالعه قرار گرفته است. مالیات: لشکرکشی و جنگ‌های نادرشاه و نیاز به تأمین منابع مالی جهت گذران امور لشکریان منجر به تحمیل مالیات‌های کمرشکن بر مردم شده بود این مالیات‌ها را می‌توان در سه رده تقسیم‌بندی کرد. دسته اول شامل علوفه و رسومات بودند که به صورت خواربار برای افراد قشون و دام‌هایشان گرفته می‌شد، دسته دوم اخراجات بودند که این دسته مالیات‌هایی بودند که به نفع کارمندان دولت، اشراف و قشون گرفته و اجرا می‌شده است دسته سوم مالیات‌ها، مربوط به راهداری بود که از بازرگانان، پیشه‌وران و کشاورزان اخذ می‌شد.

تجارت خارجی: به علت جنگ‌های پی‌درپی امکان فعالیت گسترده بازرگانی میسر نبود و عمده فعالیت‌های تجاری این دوره دو حوزه تجارت منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را شامل می‌شود. تجارت منطقه‌ای به صورت عمده با دول عثمانی، هند و روسیه بود و تجارت فرمانطقه‌ای با کمپانی هند شرقی، انگلیس و هلند انجام می‌شده است.



کشاورزی: با توجه به این که در این دوره کشاورزی یکی از اساسی‌ترین عوامل اقتصاد در ایران محسوب می‌شد، در این دوره شاهد مواردی مانند کوچ دادن قبایل و ساکنان قریه‌ها به مناطق مختلف به منظور دور ساختن فتنه‌ها و آشوب‌ها و همچنین اجبار نیروی کار کشاورزی جهت پیوستن به قشون هستیم.

### نتیجه‌گیری

نادر در دورانی که به‌عنوان تهماسب قلی‌خان و سپهسالار در سلسله صفویه حضور داشت، توانست با نبوغ نظامی خود شرایط و امنیت کشور و همین‌طور اوضاع اقتصادی و تجاری را سامان‌دهی کند. اما پس از آن که وی صفویان را برکنار کرده و در دشت مغان تاجگذاری و سلطنت را به عهده گرفت به علت سیاست جاه‌طلبانه و علاقه خود به کشورگشایی به جنگ‌های پی‌درپی پرداخت، با این که کشور به یک حکومت واحد و یکپارچه رسید اما از لحاظ اقتصادی و تجاری دچار فروپاشی شد. نادرشاه برای کسب قدرت به ارتش خود متکی بود او برای رسیدن به اهداف نظامی خود و تأمین مخارج و هزینه‌های سپاه، می‌بایست اقداماتی را در جهت افزایش درآمدهای حکومت انجام می‌داد و این کار را از طریق فشار بر طبقات مختلف مردم انجام می‌داد.

در همین رابطه اخذ مالیات‌های سنگین در سه حوزه علوفه و رسومات که به صورت خواربار برای افراد قشون و دام‌هایشان گرفته می‌شد، اخراجات که به نفع کارمندان دولت، اشراف و قشون جمع‌آوری می‌شد می‌شد و در نهایت مالیات راهداری که از بازرگانان و پیشه‌وران و کشاورزان گرفته می‌شد باعث تحمیل فشار اقتصادی به قشرهای مختلف مردم و نابسامانی اوضاع اقتصادی در دوره افشاریه شده بود.

در خصوص تجارت خارجی به علت جنگ‌های پی‌درپی امکان فعالیت بازرگانی در دو بعد تجارت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دچار رکود شده و بر اوضاع اقتصادی کشور تأثیر منفی گذاشته بود.

با توجه به این که در این دوره کشاورزی یکی از اساسی‌ترین عوامل اقتصاد در ایران محسوب می‌شد اقداماتی مانند کوچ‌دادن قبایل و ساکنان قریه‌ها باعث از بین رفتن کشاورزی و بالطبع صدمه به اقتصاد کشور شده بود. همچنین اجبار نیروی کار کشاورزی جهت پیوستن به قشون و

کنترل زمین‌های کشاورزی توسط شخص نادرشاه نیز صدمات زیادی به کشاورزی و در نهایت به اقتصاد کشور وارد کرده بود.

با توجه به موارد ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که جنگ‌های طولانی مدت نادرشاه با تأثیرگذاری بر نظام مالیاتی، تجارت خارجی و اقتصاد کشاورزی موجب فروریختن نظام اقتصادی کشور شده و مردم در این دوره از نظر اقتصادی در مشقت و سختی به سر می‌بردند.

### پیشنهاد

با توجه به این‌که در خصوص شرایط اقتصادی کشور در دوره نادرشاه تحقیقات مختلفی انجام شده و نیز با در نظر گرفتن نتایج حاصل از این پژوهش، به نظر می‌رسد بررسی تاکتیک‌های نظامی نادرشاه در نبردهای خود می‌تواند موضوع مناسبی برای سایر پژوهشگران باشد. از این رو با در نظر گرفتن حوزه فصلنامه مطالعات جنگ دافوس، پیشنهاد می‌شود سایر محققان احصاء تاکتیک‌های نظامی نادر شاه را مورد توجه قرار دهند.

### قدردانی

در پایان از تمامی عزیزانی که ما را در راستای انجام این پژوهش یاری رساندند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

### منابع

- مستوفی، محمدمحسن، (۱۳۷۵)، زبده التواریخ، به کوشش بهروز گودرزی، انتشارات ادبی و تاریخی، تهران.
- نفیسی، سعید، (۱۳۳۵)، تاریخ اجتماعی و سیاسی دوره معاصر، جلد اول، نشر مطبوعات شرق، تهران.
- نوری، منیژه، (۱۳۹۲)، سیمای تجارت ایران در دوره افشاریه و زندیه، پیش شماره ۳ فصلنامه علمی\_پژوهشی، دانشگاه آزاد.
- هانوی، جونس، (۱۳۴۶)، زندگی نادرشاه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- احمدی موسوی. سیدمهدی، ولیدی. محمدصالح، نجفی توانا. علی، ۱۳۹۵، آسیب‌شناسی نظام مالیاتی ایران و تبیین عوامل موثر در بروز آسیب‌ها، مجله حقوق دادگستری، ۲۴(۹۶): ۵۸-۳۷.
- استرآبادی، میرزا مهدی‌خان، (۱۳۴۱)، جهانگشای نادری، تصحیح عبدالله انوار، انجمن آثار ملی، تهران.
- اشرفیان، ک. ز و آرونوا، م. ر، (۱۳۵۶)، دولت نادرشاه، ترجمه حمید امین، انتشارات شبگیر، تهران.
- اوتر. ژان، (۱۳۶۳)، سفرنامه ژان اوتر، ترجمه دکتر علی اقبالی، نشر جاودان، تهران.
- ایزدیار، آسیه، (تابستان ۱۳۹۵)، بررسی اقتصاد دوره افشاریه»، نشریه تاریخ روایی، ۱۰۱(۱): ۳۱-۱۸.
- آقاجری. سیدهاشم، مؤمنی. فرشاد، خانی‌پور. سمیه، (بهار و تابستان ۱۳۹۷)، «تأثیر سیاست نظامی‌گری نادرشاه بر تجارت خارجی ایران»، دوفصلنامه علمی پژوهشی تاریخ نامه ایران بعد اسلام، ۹(۱۶): ۳۷-۱.
- پیتراوری و دیگران (۱۳۹۷) تاریخ ایران کمبریج (جلد هفتم) از نادرشاه افشار و زندیه، ترجمه دکتر تیمور قادری، نشر مهتاب، تهران.
- حزین محمدعلی، (۱۳۲۲)، تاریخ حزین، انتشارات کتابفروشی تأیید اصفهان
- ساموئلسن‌پل و هاوس نورد، (۱۳۸۸)، اصول علم اقتصاد، جلد اول، ترجمه مرتضی محمدخان، نشر برگزیده، تهران.
- سیف احمد، (۱۳۷۳)، اقتصاد در قرن نوزدهم، نشر سرچشمه، تهران.
- شعبانی رضا، (۱۳۸۷)، مختصر تاریخ ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه، نشر سخن، تهران.
- فلور ویلم، (۱۳۶۸)، حکومت نادرشاه، ترجمه ابوالقاسم سری، چاپ اول، انتشارات توس، تهران.
- فوران جان، (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، نشر خدمات فرهنگی درس، تهران.
- کشیشان ژزوئیت، (۱۳۷۰)، نامه‌های شگفت‌انگیز، ترجمه دکتر بهرام فره‌وشی، نشر موسسه علمی اندیشه جوان، تهران.
- لاکهارت، لارنس، (۱۳۳۱)، نادرشاه، ترجمه مشفق همدانی، نشر شرق، تهران.